

### متن پرسش

سلام استاد عزیز: ان شاءالله قرار هست هفته بعد با یکی از برادران که روحیه اصلاح طلبی دارند گفتگویی در باب دانشگاه تراز انقلاب اسلامی و رویکرد دانشگاه آزاد داشته باشیم. ممنون می شوم نگاه و تحلیل شما را در مورد دانشگاه تراز انقلاب بدانم. اگر ممکن است منابعی رو برای مطالعه روی این موضوع به ببنده معرفی کنید.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نیاز به بحث مفصل دارد. مقاله‌ای تنظیم شده است در رابطه با «انسان تراز انقلاب» که شاید بتوانید در دل آن نکاتی را جهت بحث خود بیابید. موفق باشید

باسمه تعالی

### انسان تراز انقلاب اسلامی

از آن جایی که انقلاب اسلامی در راستای به فعلیت رساندن استعدادهای نهفته در خود، پس از هر مرحله‌ای باید با نگاه مجددی که به خود می‌اندازد چگونگی ادامه‌ی راه را معلوم کند؛ لازم است به عقلی که جایگاه این انقلاب را می‌شناسد نظر کنیم و آن عقلی است ماوراء عقل غربی که تنها اهداف فرهنگ غربی را مدّ نظر دارد وگرنه انقلاب اسلامی در آینده با همان خطری روبه‌رو می‌شود که در صدر اسلام با به صحنه آمدن مجدد عقل جاهلی روبه‌رو شدیم و عملاً پس از مدتی امویان توانستند معاویه را به جهان اسلام تحمیل کنند. عقلی که موجب قوام انقلاب اسلامی می‌شود، عقلی است که در کنار نظر به معاش مردم از نظر به عالم قدس و معنویت غافل نیست و برعکس عقل روشنفکری غرب زده که از دولت‌ها تحقق اهداف فرهنگ مدرن را مطالبه می‌کند، در صدد مطالبات فرهنگی و معنوی است تا بستر تربیت انسان تراز انقلاب اسلامی فراهم شود، انسانی که شخصیت معنوی حضرت امام خمینی «رضوان‌الله تعالی علیه» را می‌فهمد و متوجه است حضرت امام در این انقلاب به کجا اشاره دارند.

ما در این مرحله از انقلاب موظفیم با نظر به بحثی که در مقاله‌ی «نسبت‌ها و تمایزات «انقلاب اسلامی» با «دولت اسلامی» «عرض شد جایگاه «دولت اسلامی» و «نظام اسلامی» را مدّ نظر قرار دهیم تا با تضارب آرائی که در بین صاحب نظران پیش می‌آید از دولت اسلامی و نظام اسلامی به تعریف جامعی برسیم. هرچند در این مرحله نمی‌توان تعریفی قطعی ارائه داد ولی لاقلاً می‌توان به

تعریفی نایل آمد که نسبت به «انقلاب اسلامی» و «نظام اسلامی» و «دولت اسلامی» قابل توجه باشد و امکان تفکر بر روی این سه موضوع را فراهم آورد. ما در موقعیتی قرار داریم که اگر صاحبان اندیشه جایگاه دولت و نظام اسلامی را نسبت به انقلاب روشن نکنند، میراث‌خوارانی که همیشه به دنبال فرصت‌اند تا کارهای گرانبهای تاریخ را به نفع خود صادره کنند بی‌کار نمی‌نشینند و با طرح عقل‌روشنفکری غربی که پاسدار ارزش‌های فرهنگ مدرنیته است، طوری دولت را تعریف می‌کنند که هیچ نسبتی با اهداف انقلاب اسلامی نداشته باشد و عملاً انقلاب اسلامی را از رسالت تاریخی خود در حجاب می‌برند.

وظیفه داریم از خود بپرسیم حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» با طرح انقلاب اسلامی به کجا اشاره داشتند و چه هدفی را دنبال می‌کردند و راه رسیدن به آن هدف از کجا باید شروع شود؟ و نسبت دولت اسلامی با آن اهداف چگونه باید باشد. حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» دوم فروردین سال ۱۳۶۸ یعنی در آخرین پیام خود می‌فرمایند: «مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره‌ی هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند».<sup>[۱]</sup>

انقلاب اسلامی در صورت آرمانی خود به عنوان مقدمه‌ی ظهور حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف» و در راستای رسالت آن حضرت بنا دارد زندگی زمینی بشر را به آسمان معنویت متصل گرداند و چرخش تاریخی که رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله» در توصیف حرکت حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» مطرح کردند باید از همین جنس باشد.<sup>[۲]</sup> و از این لحاظ ابتدا باید با دقت بیشتر به انقلاب اسلامی و جایگاه آن بنگریم تا جایگاه نظام اسلامی و دولت اسلامی را بر اساس هدفی که در پیش داریم تعیین نماییم، همچنان‌که همیشه حُسن و قبح هرچیزی را براساس هدفی که در پیش داریم تعیین می‌کنیم. در رابطه با این که ابتدا باید بتوانیم انقلاب اسلامی را درست بنگریم مطالبی به عرض می‌رسد:

۱. آیا انقلاب اسلامی ظرف ظهور اراده‌ی خاص الهی در این تاریخ جهت عبور از ظلمات دوران و تعالی بشر به زندگی قدسی است، یا طرحی است که صرفاً توسط حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» بدون نظر به عالم قدس و معنا ارائه شده؟

۲. برای جواب به سؤال فوق لازم است به شخصیت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» نظر کنیم که آیا صرفاً مثل یک دانشمند اسلامی تئوری انقلاب اسلامی را مطرح کردند؟ و یا همچون فقیهی حکیم و عارفی دغدغه‌مند در ذیل فرهنگ مهدوی دغدغه‌ی تغییر تاریخ را داشتند و خداوند مطابق دغدغه‌ی آن

مرد الهی راه‌کاری مطابق ظرفیت این زمان را بر قلب او اشراق نموده آن‌هم با خصوصیتی که هر نوع تجلی معنوی و اشراقی با خود به همراه دارد؟ آن‌طور که حضرت صادق «علیه‌السلام» در این رابطه می‌فرماید: رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» فرمودند: «يَحْمِلُ هَذَا الدِّينَ فِي كُلِّ قَرْنٍ عُدُولٌ يَنْفُونَ عَنْهُ تَأْوِيلَ الْمُبْطِلِينَ وَ تَحْرِيفَ الْعَالِينَ وَ انْتِحَالَ الْجَاهِلِينَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ حَبَثَ الْحَدِيدِ»؛ در هر قرنی انسانهای متعادل و عدولی هستند که این دین را حمل نموده و هرگونه تأویل اهل باطل و تحریف افراطیون و ادعاهای جاهلین را از آن دور می‌گردانند، همان‌طور که کوره‌ی آهن‌گران پلیدی و چرکی آهن را پاک می‌کند. (بحارالأنوار، ج ۲۷، ص ۲۲۲)

وقتی توانستیم جایگاه امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» را به عنوان عدول این قرن بنگریم و نیز وقتی متوجه بودیم که حضرت رضا «علیه‌السلام» در رابطه با شخصیت‌هایی همچون امام خمینی می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ لِأُمُورِ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ» اگر خداوند بنده‌ای از بندگان را جهت امور مردم انتخاب کرد، سینه‌ی او را گشاده می‌گرداند. تا در مدیریت خود کوچکترین لغزشی نداشته باشد و امور بندگان را با وسعت نظر سر و سامان دهد. «فَلَمْ يَغْيِ بَعْدَهُ بِجَوَابٍ وَ لَمْ تَجِدْ فِيهِ غَيْرَ صَوَابٍ» در نتیجه آنچنان توانا می‌شود که در جوابگویی به نیازهای جامعه در نمی‌ماند و غیر از صواب از او نخواهی یافت و به خوبی مصلحت مردم را در نظر می‌گیرد. «فَهُوَ مُوقِفٌ مُسَدِّدٌ مُؤَيَّدٌ» [۳] پس او در کار خود موفق و محکم و مورد تأیید الهی است. با توجه به این دو امر می‌فهمیم ما از طریق حضرت امام وارد تاریخ دیگری خواهیم شد که آن تاریخ، تاریخی است جدای تاریخی که فرهنگ مدرنیته در مقابل بشر امروز قرار داده.

۳. با توجه به این‌که قرآن در وصف حضرت حق می‌فرماید: «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (الرَّحْمَنُ/۲۹) و با نظر به این‌که به تعبیر علامه طباطبایی «رحمة‌الله‌علیه»؛ ربوبیت عبارت است از «خلق بعد از خلق»، [۴] هر تاریخی ظرف ظهور اراده‌ی خاصی از حضرت حق است که انسان‌ها برای رجوع به حق باید در متن آن تاریخ با حق مأنوس شوند و گرنه با خدای انتزاعی و ذهنی زندگی خواهند کرد، نه با خدایی که هر لحظه برای هدایت ما در حال تجلی است، در آن صورت عملاً هیچ‌آنسی بین آن‌ها و خدا برقرار نمی‌شود. زیرا با خدایی که در این تاریخ ظهور کرده است مأنوس نیستند و عقل و قلب مناسب احساس اراده‌ی الهی در دوران خود را در خود رشد نداده‌اند.

۴. راز این‌که با آمدن پیامبر بعدی، تأکید بر باقی‌ماندن بر دین قبلی کفر محسوب می‌شود، آن‌ است که اگر مؤمنین با آمدن پیامبر جدید با خدای قبلی زندگی کنند عملاً با نور اسماء الهی که فعلاً در این دین ظهور کرده مأنوس نیستند و خدایی را می‌پرستند که در ذهن خود دارند. در حالی‌که اگر حقیقتاً با خدای پیامبر قبلی مأنوس بودند باید با نور آن خدا در جلوه‌ای که مناسب زندگی دینی در امروز آنان است آشنا باشند و ببینند چگونه آن خدا در مظهري بس متعالی ظهور کرده. [۵]

۵. بزرگان فکر و اندیشه متذکر می‌شوند که تحولات تاریخی ابتدا در دل‌ها رخ می‌دهد و از این جهت دل‌ها دگرگون و خواستن‌ها عوض می‌شود زیرا دل‌ها متأثر از اراده‌ی خاص حضرت حق در دوران خود می‌باشند و وظیفه‌ی اندیشمندان، که آن‌ها نیز از تجلیات اراده‌ی الهی متأثرند، متذکر کردن انسان‌ها است در راستای اراده‌ی الهی تا سستی و تنبلی و امیال نفس‌آماره، مردمان را از تجلیات الهی محروم نکند و کار اصلی حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» و مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» در این زمان و وظیفه‌ی همه‌ی ما در این فضا می‌تواند قابل توجه باشد. در این رابطه حضرت صادق «علیه‌السلام» می‌فرمایند: در حکمت داود هست: «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِّلْسَانِهِ» (الکافی، ج ۲، ص ۱۱۶). بر عاقل است که زمانه‌اش را بشناسد و براساس شأنش با زمانه‌اش برخورد کند و زبان خود را از هرگونه سخن‌گفتن که مطابق زمانه‌اش نیست باز دارد.

در فهم آن‌که تحول تاریخی ابتدا به اراده‌ی الهی در دل‌ها رخ می‌دهد همین بس که آن عارف کامل که متوجه ظهور اراده‌ی الهی در این تاریخ بود فرمود: «اگر من هم برگردم ملت اسلام بر نمی‌گردد. اشتباه نکنید، اگر خمینی هم با شما سازش کند ملت اسلام با شما سازش نمی‌کند»، [۶] و مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» با نظر به چنین جایگاهی که از حضرت امام یافته‌اند می‌فرمایند: «ملت ایران با رهبری آن مرد عظیمی که بلاشک خداوند لمعه‌ای و لمح‌ای از انوار طیبه در وجود او قرار داده بود، دنباله‌ی همان راه را به کار گرفت». (۱۳۹۰ / ۱۱ / ۲۱)

۶. انقلاب اسلامی مثل هر مخلوقی با نظر به علت ایجاد و اهدافی که در آن مطرح است شناخته می‌شود. حال اگر متوجه باشیم انقلاب اسلامی، اشراق و تجلی نور اراده‌ی الهی بر قلب امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» است، آن‌هم مطابق دغدغه‌ی حضرت امام جهت تغییر تاریخ ظلمانی استکبار و با هدف رجوع به خدای مهدی (عج)، خداوند در همین راستا قلب مردم را نیز آماده‌ی چنین حضوری در این تاریخ کرده است. پس نگاه صحیح به انقلاب اسلامی و به مردم وقتی پیدا می‌شود که در همین فضا باشد وگرنه ما در تاریخی که انقلاب اسلامی شروع کرده است زیست نمی‌کنیم و خواسته یا ناخواسته ناظر بر به بن‌بست‌رسیدن طرح‌های فرهنگی خود خواهیم بود، [۷] و دیر یا زود مردمی که مایل‌اند متذکر نوری باشند که در این تاریخ بر قلب‌هایشان تجلی کرده به ما پشت می‌کنند، زیرا ما با عقلی که به کمک آن می‌توان از غرب عبور کرد و به انقلاب اسلامی نظر نمود با آن‌ها سخن نگفته‌ایم.

۷. اگر پذیرفتیم حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» مظهر سلوک علمی و عملی این تاریخ است و هراندازه این واقعیت را نادیده بگیریم گرفتار بی‌فکری دوران خود هستیم، باید از خود بپرسیم چگونه باید در ذیل شخصیت حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» سلوک کرد تا در تاریخی زندگی کنیم که راه به سوی خدای حی و قیوم دارد و ما را به حضوری برتر یعنی به تاریخ ظهور مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف» می‌رساند. در این رابطه دولت اسلامی چگونه باید باشد که بیرون از اهداف انقلاب عمل نکند و زبانی که در کام دارد زبان مردم باشد؟

۸. امیدوارم انتظار نداشته باشید برای ورود به چنین سلوکی و چنین تاریخی، این عقل گرفتار فرهنگ مدرنیته کافی باشد و به دنبال ورودی باشید که هیچ آرامشی را در فضای استیلای فرهنگ مدرنیته به هم نزند و هیچ خلاف عادت در آن ظهور ننماید. آیا باید سلوک ذیل شخصیت اشراقی حضرت روح‌الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» چیزی باشد مثل آن‌چه از دنیای مدرن می‌شناسید؟ [۸] و یا با چرخشی که باید در تاریخ رخ دهد ما نیز خود را آماده‌ی حضور در ساحتی دیگر از تفکر بنماییم؟ و دولت‌مردانی را انتخاب کنیم که در تراز چنان تحولی باشند؟

۹. اگر متوجه شده‌اید که جریان‌های فکری وفادار به انقلاب در این تاریخ در نشست‌های خود از یک نوع عدم‌انگیزه و عدم رقابت تاریخ‌ساز با محافل سکولاریستی رنج می‌برند باید ریشه‌ی آن را در ضعف تعمقی دید که نسبت به حضور تاریخی انقلاب اسلامی در این دوران دارند و آن ضعف را باید در عدم ارتباط سلوکی با ملکوت حضرت روح‌الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» جستجو کنیم؛ دو موضوعی که مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» به‌خوبی شناخته‌اند و در نتیجه به عالی‌ترین شکل خودشان جلو می‌روند و تلاش دارند ملت را نیز در این مسیر راهنمایی کنند، در مسیر حضور در تاریخی که انقلاب پدید آورده و در مسیر سلوک ذیل شخصیت اشراقی حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه».

۱۰. مسلم انقلاب اسلامی با بالندگی خاصی در حال ظهور در این تاریخ است و با شناخت هرچه عمیق‌تر جایگاه تاریخی آن توسط دولت‌مردان آن‌ها نیز بهتر می‌توانند رسالت خود را انجام دهند.

ذات و گوهر انقلاب اسلامی از آن‌جهت که از طرف خدایی حکیم اراده شده، تفکر است و هر کس بیشتر تلاش کند حقیقت آن را درک کند، بیشتر به تفکر تاریخی خود نزدیک شده است. نزدیکی به انقلاب اسلامی به عنوان حقیقتی وجودی، با نظر به مناظری که گوهر آن را نشان می‌دهد ممکن است و نه از طریق فهم چیستی و ماهیت آن در قالب علم حصولی. کسی که می‌پرسد انقلاب اسلامی چیست؟ بداند هرگز امکان فهمیدن انقلاب اسلامی را پیدا نخواهد کرد و انقلاب اسلامی در مقابل سؤال از چیستی‌اش در حجاب می‌رود. ولی کسی که سعی می‌کند حضور انقلاب اسلامی را در جهان امروز و در مظاهر آن بنگرد می‌تواند انقلاب اسلامی را بیابد و رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله» بدین لحاظ دائماً متذکر می‌شوند که حضور انقلاب اسلامی را در شکست‌های ممتد آمریکا در صحنه‌های مختلف بنگرند و این یعنی نظر به حقیقت انقلاب در مظاهر مختلف.

۱۱. کلید ورود به انقلاب اسلامی با نگاه اشراقی و با تعالی عقل قدسی در شناخت شخصیت حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» نهفته است که اگر ایشان را عارفی سالک دانستیم باید بدانیم عارفان خود را طوری تربیت می‌کنند که بتوانند رابطه‌ی قلبی با عالم ملکوت برقرار کنند و همواره خود را در معرض فیوضات الهی قرار می‌دهند تا خداوند مطابق دغدغه‌ی آن‌ها اشراقات لازم را بر قلب‌شان بنماید و در این رابطه دو موضوع است که باید بررسی شود: یکی شخصیت حضرت امام خمینی

«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» و مقام عرفانی او، و دیگر تفاوت اشراقی که بر قلب عارفان دغدغه‌مند متجلی می‌شود با تئوری‌های فکری که اندیشمندان به آن می‌پردازند.

**الف:** در مورد شخصیت عرفانی حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» همین بس که مدت‌ها در محضر آیت‌الله شاه‌آبادی بوده‌اند و به گفته‌ی آیت‌الله حاج شیخ مهدی حائری یزدی حتی مواقعی هم که اسفار تدریس می‌کردند درس اسفار ایشان بیشتر جاذبه‌ی عرفانی داشت و اسفار را هم از نظر ابن عربی نگاه می‌کردند، [۹] و در تفسیر سوره‌ی حمد نشان دادند در چه جایگاهی از مقامات عرفانی هستند و چگونه به عالم نگاه می‌کنند. [۱۰]

**ب:** در مورد تفاوت بین موضوع تجلیات اشراقی با موضوع عقلی و استدلالی، باید روشن شود که وقتی در موضوعی تعقل می‌کنید تا به نتیجه برسید مجبور به داشتن قضیه‌ای هستید با صغرا و کبرای خاص و نتیجه‌ای در محدودیت صغرا و کبرای قضیه، ولی در موضوعات اشراقی چنانچه قلب آماده باشد با نوری از معرفت روبه‌رو می‌شوید که بر قلب شما تجلی کرده و همه‌ی جوانب دغدغه‌ی شما در آن لحاظ شده.

از آنجایی که قلب انسان همه‌ی شخصیت انسان است وقتی حقیقتی بر قلب کسی اشراق و متجلی شود همه‌ی شخصیت او را فرا می‌گیرد. در همین رابطه خداوند از یک طرف در وصف قرآن که بر قلب رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» نازل شده می‌فرماید: «وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ \* عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ» (شعراء / ۱۹۲ تا ۱۹۴). و از طرف دیگر می‌فرماید: «وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى» (نجم / ۲ و ۴) او بر اساس میل خود سخنی نمی‌گوید، آن‌چه می‌گوید چیزی نیست مگر وَحی الهی که بر او وَحی شده زیرا قرآن با قلب و شخصیت رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» متحد شده، بر همین اساس سنت و سیره‌ی رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» عین وَحی الهی است. در ذیل همین قاعده است که شخصیت حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» عین انقلاب اسلامی است و ما می‌توانیم از طریق سیره‌ی آن مرد الهی در صحنه‌های مختلف، انقلاب اسلامی را تفسیر کنیم و ببینیم اراده‌ی الهی در این تاریخ به کجا اشاره دارد؟

۱۲. با توجه به موارد فوق معتقد هستیم انقلاب اسلامی یک حقیقت اشراقی است که بر قلب حضرت روح‌الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» تجلی کرده و در ذیل چنین اشراقی که با شخصیت حضرت امام متحد است باید اهداف انقلاب اسلامی را در نظام اسلامی و در دولت اسلامی به فعلیت رساند که البته این راه‌کارهای خاص خود را دارد و انسانی تراز خود را می‌طلبد و رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله» در سخنان خود پس از اعلام پیروزی آقای روحانی به عنوان رئیس‌جمهور، از کارهای زمین‌مانده سخن به میان آوردند که باید به آن‌ها بپردازیم. آیا یکی از مهم‌ترین کارهای زمین‌مانده، تربیت انسان‌هایی

نیست که باید با عقل قدسی و معرفتی ربّانی متوجه حقیقت انقلاب اسلامی باشند و در سلوک ذیل شخصیت اشراقی حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» بتوانند در آینده امور اجرایی دولت‌ها را مطابق اهداف انقلاب اسلامی مدیریت کنند و امید دشمن را که با تکیه بر امیال قشر خاکستری مردم - که تحت تأثیر فرهنگ و عقل غربی‌اند - می‌خواهد انتخابات را به نفع خود مصادره کند، به یأس تبدیل نمایند؟

۱۳. در روایت بسیار ارزشمندی از امام صادق «علیه السلام» داریم: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقْلِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدَكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ أَمْرٌ لَا تَفْهَمُهُ وَ لَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَأَنْظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَ أَعْمَلْ بِمَا فِيهَا» [۱] وقتی قائم قیام کند به هر ناحیه از نواحی زمین کسی را می‌فرستد و می‌گوید تعهد و پیمانته - دستور العمل ات - در کف دست تو است، چون امر مهمی به تو روی آورد که تو آن را ندانی و در انجام آن سرگردان شوی، به کف دستت بنگر و تصمیم خود را بگیر و عمل کن. در ذیل اشراق مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» هر کدام از یاران حضرت دریچه ای می‌شوند که عالم غیب و معنا بر قلبشان گشوده می‌گردد. رابطه اشراقی با امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» پیدا کردن از این سنخ است و قرار گرفتن در ذیل فرهنگ دینی وقتی به صورت اشراقی واقع شد، موجب می‌شود تا جان و قلب انسان تحت الشعاع آن اشراق قرار گیرد و انسان تراز انقلاب اسلامی، انسانی است که با نظر به سیره و رهنمودهای حضرت امام متذکر اشراقاتی می‌شود که بر قلبش وارد می‌شود و می‌تواند در هر جایی که هست وجهی از وجوه حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» باشد همچنان که یاران حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» در هر جا که می‌باشند وجهی از آن حضرت‌اند و از اشراقاتی که در ذیل وجود مقدس آن حضرت دارند راه را از چاه باز می‌شناسند. و ما در انقلاب اسلامی شخصیت‌هایی مثل مرحوم شهید چمران و سرداران بزرگ دفاع مقدس را از این جنس می‌یابیم و از همه مهم‌تر مقام معظم رهبری «حفظه الله» است که در فضای اشراقی که بر قلب مبارک حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» شد، زیست می‌نمایند و جامعه انقلابی را راهنمایی می‌کنند. لازم است در این انقلاب که مقدمه‌ی فرهنگ حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» است این فرهنگ شروع شود تا انسان تراز انقلاب اسلامی در همه‌ی جوانب به صحنه آید.

والسلام

[۱]- صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص: ۳۲۵

[۲]- مقام معظم رهبری «حفظه الله» می‌فرمایند: واقعاً حضرت امام «رضوان الله تعالی علیه» انسان

عجیبی بود اصلاً پیدایش و وجود این انسان با آن ابعاد، هیچ قابل تحلیل نیست جز اینکه بگوییم تفضّل الهی بود برای اینکه چرخشی در تاریخ و در حرکت قافله ی عظیم بشری به وجود آورد، دستی باید از غیب ظاهر می شد، خدای متعال این دست را ظاهر کرد». (بیانات در تاریخ: ۱۳۶۹ / ۰۱ / ۰۳)

[۳] - تحف العقول، ص ۴۴۳

[۴] - در رابطه با معنای ربوبیت و «خلق بعد از خلق» نظر به مبحث حرکت جوهری ملاصدرا شده که می‌فرماید در هر مرتبه از حرکت مخلوق با تجلیات الهی قوه‌ای از آن مخلوق به فعلیت تبدیل می‌شود و در مرتبه‌ی بعدی تجلی الهی همان تجلی قبلی نیست بلکه تجلی دیگری است تا قوه‌ی بعدی را به فعلیت تبدیل کند. مثل وقتی فیض خداوند کودک چهارساله را برای رسیدن به سن پنج‌سالگی ربوبیت می‌کند و سپس فیضی که افزوده می‌کند برای رساندن کودک پنج‌ساله به شش سالگی است فیض جدیدی است، و بدین لحاظ همواره فیض الهی جدید است و خلق جدیدی را به صحنه می‌آورد و این معنای ربوبیت الهی یا «خلق بعد از خلق» است و ما همواره با فیض جدیدی روبه‌رو هستیم همان طور و قرآن در مورد کفار می‌فرماید: «بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ» (سوره ق / ۱۵) ان‌ها در آفرینش جدید تردید دارند.

[۵] - عنایت دارید که شما باید به همه‌ی پیامبران قبلی به عنوان رسولان خدا ایمان داشته باشید، ولی نباید به دین پیامبران قبلی ایمان داشته باشید.

[۶] - صحیفه امام، ج ۱، ص: ۳۰۳

[۷] - یک روز تبلیغات و هابیت مسئله‌مان می‌شود و یک روز عرفان‌های نوظهور.

[۸] - کاری که بعضی از روشنفکران مذهبی در صدد آن هستند تا انقلاب اسلامی را بر وفق اصول تجدد تفسیر کنند زیرا متوجه هیچ عقلی ماوراء عقل تجدد نیستند، ولی فرزندان واقعی حضرت روح الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» آن مرد الهی را عقلی حتی برتر از عقل حکمت و عرفان رسمی می‌دانند.

[۹] - نامه‌ی فرهنگ، شماره‌ی ۱۷، ص ۱۰۴

[۱۰] - در رابطه با مقام عرفانی حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» کافی است به مقدمه‌ی کتاب «مصباح الهدایه الی الخلافة والولایه» از استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی رجوع فرمایید که می‌فرماید: «یکی از آثار نفیس در مبحث نبوت و ولایت، به طریقه محققان از عرفا و کمل از حکمای اسلامی، رساله مصباح الهدایه الی الخلافة و الولاية اثر سید سادات و ماجد العرفاء و الفقهاء، قدوة الحکماء المتألهین، استاد محقق در حکمت متعالیه، مرحوم مبرور، حضرت امام خمینی، سقی الله تربته، می باشد. مرحوم امام خمینی کتاب سر الصلاة، که به حق اثری است بی نظیر، و شرح دعاء السحر، و اثر



حاضر را به زبان عرفان - که لسان خاص این قبیل از آثار است و جز خامه کمال از ارباب عرفان هیچ قلمی را توانایی آن نیست که اثری قابل دوام و کتابی که حق مطلب عرفانی را ادا نماید به وجود آورد. در نحوه‌ی سیر یا سریان، و به عبارت دیگر، ظهور حقیقت «نبوت تعریفیه» و ولایت محمدیه و علویه در کافه ذراری وجود، مطالب دقیق و تحقیقی به قید تحریر آورده اند که خاص خواص و در بعضی از موارد ابتکاری است. مرحوم امام، أعلى الله درجته في المراتب العلمية و العملية، در ذوق و سلیقه علمی و پرهیز از ذکر مطالب غیر لازم نظیر ندارند. یکی از علل جاذبه قابل توجه در آن بزرگ زمانه، علاوه بر نظم و ترتیب خاص در درس و بحث، جامعیت او بود.

[۱۱] - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵ - محمدبن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۹.